**کاظم نیکخواه**

**رسول بداغی از چه دفاع میکند؟**

رسول بداغی یکی از چهره های شناخته شده جنبش معلمان است. او را سالهاست بعنوان یکی از رهبران اعتراضات معلمان میشناسیم. اما رسول بداغی یک هفته پیش نوشته ای در صفحه فیس بوکی خود منتشر کرده است تحت عنوان "احزاب سیاسی باشگاه تمرین دیکتاتوری" که بنظر من بهیچ وجه با اعتراضات و فعالیتهای مبارزاتی خود او خوانایی ندارد. او بدون هیچ سند و استدلال قابل دفاعی کل احزاب اپوزیسیون را مورد حمله قرار میدهد و تا آنجا پیش میرود که آنها را بدون کمترین استدلال قابل دفاعی "بدتر از جمهوری اسلامی" قلمداد میکند. بگذارید تکه ای از صحبتهای رسول بداغی در یک فایل صوتی که در مدیای اجتماعی منتشر شده را اینجا بازگو کنیم تا معلوم باشد داریم از چه سخن میگوییم. رسول بداغی در توضیح مطلبی که نوشته از جمله چنین میگوید ".. مثلا آقای ایکس که نمیخواهم اسم ببرم دبیر کل یک حزب هست. خب بودجه اش مال اونه. مجوزش مال اونه. عرض شود خدمت شما افرادش را هم خودش انتخاب کرده حالا عده ای دوروبرش را گرفته اند انچنان ازش حساب میبرن چاپلوسیشو میکنن نوکریش رو میکنن در واقع که به اصطلاح هیچ حد و مرزی نداره. یعنی با سیصد سال پیش این مملکت هیچ فرقی نمیکنه. خب اونها هم انچنان تملقش رو میکشن برای چی؟ برای اینکه این یه اسمی از اینها بیاره. یه نامی از اینها بیاره. یه امتیازی به اینها بده یا احیانا از اون امتیازاتی که داره یه چیزی به اینها بده. یا در آینده اگر بقدرت رسید سهمی داشته باشه. اینها همه اش زمینه ساز یک دیکتاتوری در آینده است. حالا ما فقط بگیم جمهوری اسلامی نباشه؟ فلان حزب باشه؟ آیا اطمینان داریم که اون افراد دیکتاتور نمیشن مثل گذشته؟ کاملا محرزه.. که هیچکدام از این احزاب نمیتونن ناجی این ملت باشن. من اگر تریبون گسترده تری هم در دست داشته باشم بازم میگم. هیچ امیدی به اپوزیسیون خارج از کشور با این تشکیلاتی که در طول چهل سال گذشته داشتن هیچ امیدی نیست. هیچ امیدی ملت ایران نباید به احزاب دیکتاتور منشی که در خارج از کشور هست داشته باشن. چرا؟ چون اونا دارن تمرین دیکتاتوری میکنن و آماده میشن برای یک دیکتاتوری تازه ای در ایران. و این خیلی خطرناک تر از جمهوری اسلامی بنظر من هست. باید مردم خیلی مواظب باشن"

رسول بداغی نه در نوشته اش و نه در این بحث شفاهی یک کلمه فاکت نمی آورد اما مثل کسی است که تصمیمش را گرفته است که زیرآب احزاب سیاسی را هر جور شده بزند و این بسیار تاسف انگیز است. درست در شرایطی که مردم ایران بیش از هر زمان به حزب و تحزب مثل نان شب نیاز دارند این نوع فله ای و غیر مسئولانه تمام احزاب اپوزیسیون را مورد حمله قرار دادن تنها نتیجه و خاصیتی که دارد تطهیر جمهوری کثیف اسلامی است. و رسول بداغی مسلما بدون اینکه بخواهد صراحتا دارد همین کار را میکند. من همینجا با اطمینان کامل اعلام میکنم و نشان میدهم که کل ادعاهای رسول بداغی یک ذره با حقیقت خوانایی ندارد. این را نه فقط در دفاع از حزبی که خود عضو آن هستم یعنی حزب کمونیست کارگری میگویم بلکه تردیدی ندارم و این را نشان میدهم که در مورد هیچ حزب و جریان سیاسی چپی این ادعاها حقیقت ندارد و کلا بی پایه و بدور از حقیقت است. از رسول بداغی بطور واقعی انتظار و تصویر دیگری داشتم.

**احزاب خارج کشوری**

رسول بداغی میگوید هیچ امیدی به "اپوزیسیون خارج کشور" نیست و همه آنها باشگاه تمرین دیکتاتوری هستند. سوالی که برای هرکسی از این حرف مطرح میشود اینست که رسول بداغی که یک جا همه احزاب خارج کشور را محکوم میکند و آنها را بدتر از جمهوری اسلامی معرفی میکند آیا منظورش اینست که باید به احزاب "داخل کشوری" امید بست و آیا او از این نوع احزاب دفاع میکند؟ محض اطلاع رسول بداغی همه احزاب خارج کشور، در داخل کشور بدرجات مختلفی حضور و نیرو دارند. بنابرین خیلی هم خارج کشوری نیستند. برای نمونه حزب کمونیست کارگری در داخل ایران بیشتر از خارج ایران عضو دارد. سیاستها و شعارهایش در مبارزات بخشهای مختلف مردم و از جمله معلمان شنیده میشود و بازتاب می یابد. و صدایش هم با تلویزیون و رسانه های مختلفش در داخل ایران شنیده میشود. بنابرین خیلی خارج کشوری هم نیست. اما رسول بداغی وقتی میگوید "احزاب خارج کشوری" منظورش احزابی است که در ایران ممنوعه هستند و رهبری آنها در خارج کشور مستقر هستند. بنابرین او باید طرفدار احزابی باشد که در داخل حضور و نفوذ و مجوز دارند. این احزاب کدام احزاب هستند؟ همه میدانند که در ایران جز چند حزب حکومتی و اسلامی ارتجاعی هیچ حزب دیگری امکان و اجازه فعالیت رسمی ندارد. آیا رسول بداغی از احزاب حکومتی دفاع میکند؟ با پیشینه ای که از رسول بداغی سراغ داریم جواب باید منفی باشد. یک معنای دیگر حرف او میتواند این باشد که رسول بداغی با همه احزاب چه داخل و چه خارج کشور مخالف است. در این صورت آیا معنای این حرف این نیست که باید از جمهوری اسلامی دفاع کرد؟ بطور واقعی معنا و تاثیر نوشته رسول بداغی برخلاف نیتش تطهیر جمهوری اسلامی است. او دارد سیاه روی سفید میگوید احزاب سیاسی از جمهوری اسلامی بدترند. بنابرین باید دست از سرنگونی جمهوری اسلامی برداشت. و این بسیار تاسف انگیز و شوکه آور است.

**احزاب تحت کنترل یک یا دونفرند**

ادعاهای رسول بداغی در مورد اینکه احزاب سیاسی تحت کنترل و زیر سیطره یک یا دو نفر هستند نیز بهیچ وجه پایه اساس ندارد و از نوع تبلیغات جمهوری اسلامی است که میخواهد فضا را علیه نیروهای اپوزیسون مسموم کند. واقعا میتوانم ساعتها در مورد باز بودن و دموکراتیک بودن حزب کمونیست کارگری که خود عضو آن هستم دفاع کنم و نشان دهم که تا چه حد این ادعا بی پایه است. نمیدانم رسول بداغی در میان نیروهای اپوزیسیون به کدام جریان سر زده است که طوری از حاکمیت یک یا دو نفر بر احزاب سخن میگوید که انگار بر حاکمیت یک خان و رئیس قبیله حرف میزند. من به جریانات راست و قومی قبیله ای که ممکن است با این تصویر که بداغی میدهد بدرجه ای نزدیک باشند اینجا کاری ندارم و بداغی هم ظاهرا منظورش آنها نیستند و گرنه مشخصا اسم میبرد. این نوع احزاب و سازمانها بطور واقعی جای محسوسی هم در اپوزیسیون ندارند. اما تمام احزاب چپ تا آنجا که من میدانم سیاست و برنامه مدون دارند، کنگره و انتخابات منظم دارند، این اعضا هستند که رهبری را تعیین و انتخاب میکنند و رهبری شان باید پاسخگوی بدنه باشد. برای اطلاع رسول بداغی باید بگویم که حدود بیست سال است ما این سنت را هم به درون اپوزیسیون آورده ایم که کنگره های حزب کمونیست کارگری علنی است و هرکس که علاقه مند باشد میتواند در کنگره شرکت کند و حرفش را بزند و تمام اعضا، کمیته مرکزی را از طریق رای گیری مختفی انتخاب میکنند و سیاستها را تصویب میکنند و هر شش ماه کمیته مرکزی دبیر کمیته مرکزی و اعضای دفتر سیاسی را باز هم در یک رای گیری مخفی انتخاب میکند. آیا رسول بداغی از این پروسه بسیار آزاد و انتخابی خبر ندارد؟ آیا این را دیکتاتوری میخواند؟! اگر جمهوری اسلامی به رسول بداغی اجازه میدهد ایشان میتواند بیاید و مستقیما در کنگره حزب شرکت کند و همانجا حرفش را در حضور صدها عضو این حزب بزند. آیا رسول بداغی در دنیا حزبی به این درجه باز بودن سراغ دارد؟ آیا این تمرین دیکتاتوری است؟ سیاستهای این حزب هم در بحث سیاسی و از طریق رای گیری تعیین و تصویب میشود و اساسش روی ایجاد یک جامعه آزاد و برابر و مرفه با تحصیل و درمان رایگان و بیمه درمانی و بیمه بیکاری و حق مسکن و رفاه برای همه است که در جزئیات اینها در برنامه یک دنیای بهتر تصویر شده است. آیا اینها از نظر رسول بداغی نادرست است؟ دیکتاتوری است؟ از جمهوری اسلامی بدتر است؟! چرا باید در جایی ایستاد که پنج دقیقه هم نشود از آن دفاع کرد؟ این فقط برای خود او جای تاسف است که اینچنین به موضع غیرقابل دفاعی افتاده است.

ادعای او در مورد بودجه احزاب هم به همین شکل است. جدا از چند جریان راست و سلطنت طلب شناخته شده که سرشان به این دولت و آن دولت بند است و همه از آن خبر دارند این احکام در مورد هیچ حزب و سازمانی صدق نمیکند. برای نمونه حزب کمونیست کارگری بودجه ای جز از طریق کمک و تلاش اعضایش ندارد. این اعضا هستند که علیرغم اینکه اکثرا خود در فقر زندگی میکنند از جیب خود و با تلاشها و مبارزاتشان هزینه های حزب را تامین میکنند. این هم با اعداد و ارقام در گزارشات نشستهای شش ماهه کمیته مرکزی و کنگره ها ثبت شده است و در نشریات منتشر میشود و هرکس میتواند آنرا ببیند و در مورد آن نظر دهد.

در یک کلام موضع و بحث رسول بداغی بر هیچ پایه و فاکتی متکی نیست و فقط به فضای مسموم علیه تحزب میتواند دامن بزند. اگر خود او آدم شناخته شده ای در جامعه نبود لازم نبود به چنین بحث شناخته شده و نخ نمایی پرداخته شود. این موضعگیری بداغی بسیار هشدار دهنده است و امیدارم که او یک بار دیگر موضعگیری خودرا مرور کند تا متوجه شود که در جای بدی ایستاده است. امروز معلم و کارگر و همه بخشهای مردم برای خلاص شدن از شر جمهوری اسلامی بیش از هر زمان به حزب و برنامه مدون و سیاستهای روشن و رادیکال نیاز دارند. نفی همه احزاب ایستادن مقابل این نیاز اساسی جنبش معلمان و کارگران و مردم است. رسول بداغی بعنوان یک انسان معترض میتوانست برعکس این نوشته به امر تحزب معلمان خدمتی بکند و سخنی مشخص و مفید در مورد لزوم تشکل و تحزب و برنامه آینده و امثال اینها بگوید و نقش مثبتی در این رابطه ایفا کند. روشن است که در اپوزیسیون ایران احزاب و سازمانهای بسیاری با گرایشات و وضعیت روشن داخلی و درجه نفوذ و تاثیر گذاری متفاوتی وجود دارند و هرکس مجاز است این احزاب را نقد و حتی نفی کند. خود ما کم جریانات راست و ارتجاعی را نقد نکرده ایم. اما با فاکت و استدلال نه با پرتاب کردن انگهای شناخته شده. نفی کل احزاب بدون هیچ استدلالی و با استفاده از انگهای عقب مانده ای مثل "خارج کشوری" و امثال اینها فقط بازی کردن در میدان جمهوری اسلامی یعنی حکومتی است که احزاب و سازمانهای سیاسی را با خشونت سرکوب کرده است و رهبری شان را ناچار به ترک کشور کرده و بعد هم برای مقابله با نفوذ آنها در میان کارگران و معلمان و دانشجویان و بخشهای مختلف مردم مدام انگ "احزاب خارج کشوری" را به سویشان پرتاب میکند و امثال رسول بداغی هم بدون اینکه متوجه باشند متاسفانه به این میدان کشیده شده اند. و این جای تاسف است. همانگونه که اشاره کردم خوشبختانه حزب کمونیست کارگری در داخل ایران اعضایش بیشتر از خارج کشور حضور دارند و بازهم محض اطلاع رسول بداغی یکی از دلایل این نوع تبلیغات جمهوری اسلامی همین واقعیت و حضور چپ در داخل ایران است و به همین دلیل از امثال رسول بداغی انتظار میرود که در این رابطه هوشیاری بییشتری از خود نشان دهند.\*